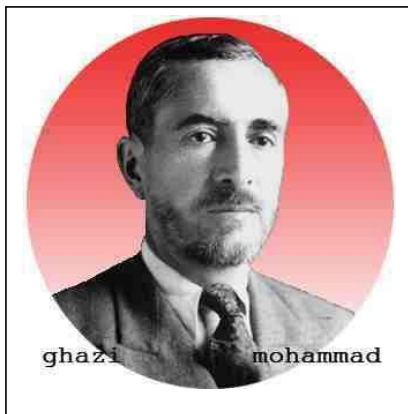


# آذربایجان

بشینیجی دؤره ۷۶  
- نجی نمره  
بهمن ۱۳۸۹

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان



بمناسبت 65 مین سالگرد جنبش دوم بهمن  
سالروز تشکیل جمهوری مهاباد

در 24 م ژانویه 1946 در جریان یک میتینگ توده ای در مهاباد ، که نمایندگان اکثر مناطق گردنشین ایران در آن حضور داشتند ، تشکیل جمهوری مهاباد اعلام گردید .  
جنبش دوم بهمن و تشکیل جمهوری کردستان در مهاباد ، نتیجه منطقی رشد جنبش گرد در ایران و فاز پایانی مرحله مشخص تکامل آن بود . این جنبش ملی-دمکراتیک نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملی ملت گرد در راستای حق تعیین سرنوشت بود ، حزب دمکرات کردستان ایران ، رهبر و سازمانده این جنبش - از لحاظ تاریخی ، اولین حزب کردستان بود ، که اهمیت تشکیلات سیاسی را درک نمود . و تحت رهبری همین حزب برای اولین بار در تاریخ ، مردم کردستان صاحب یک حاکمیت ملی و دمکراتیک در شکل جمهوری گردیدند . البته اوضاع بعد از جنگ جهانی دوم در خاورمیانه به طور عام و در ایران به طور خاص به این امر یاری رساند . ایران گسترش چشمگیری داشت .

ادامه در ص ۲

باز هم در باره ی کنفرانس دهم

دهمین کنفرانس فرقه ی دمکرات آذربایجان در آستانه ی 65 مین سالگرد جمبش تاریخی 21 آذر 1324 بر گزار شد .  
فترت 20 ساله ی میان کنفرانس نهم و دهم ، مشکلات پرشماری را در نحوه ی اداره و سازماندهی فعالیت ما بوجود آورده بود . با اینهمه تلاش برای بهبود کار و رفع موانع کارایی تشکیلاتی ، تنها دلیل ویژگی و اهمیت این گردهمایی در تاریخ زندگی پرفرازو نشیب 65 ساله ی ما نیست .  
ادامه در ص ۳

## جمهوری آذربایجان قدرتی در حال ظهور در قفقاز

نوشته ای که ذیلا میخوانید نتیجه تحقیقات آقای بهرام امیراحمدیان، استاد دانشگاه های تهران و کارشناس روابط بین الملل و مسائل ژئوپلیتیکی میباشد: - ادامه در ص ۴ ، ۵

آزادزیستن حق هر انسان است.

آزادی بیان نمایانگر سطح رشد اجتماعی است . بیان عقیده انتقاد از نا به سامانی های اجتماعی وظیفه هر شهروند کشور است که در آن زندگی میکند . آزادی بیان در بسیاری از کشور است که در آن زندگی میکند .

ادامه در ص ۶

**جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!**

## بمناسبت 65 مین سالگرد جنبش دوم بهمن سالروز تشکیل جمهوری مهاباد

ادبی و هنری فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند. در این مدت بسیاری از آثار کلاسیک جهانی به زبان گردیترجمه گردید.

یکی از اقدامات جالب، ایجاد اپرای مردمی در کردستان بود. در مارس 1945 در مهاباد اپرای « وطن » بر روی صحنه آمد که مورد استقبال شایانی قرار گرفت.

حکومت کردستان برابری حقوق زنان با مردان را رسماً اعلام کرد، که در نتیجه آن زنان گرد برای اولین بار نقش فعال در حیات اجتماعی و سیاسی کردستان ایران بازی کردند. بخش پیشتاز آنان در سازمان زنان حزب دمکرات کردستان متشکل شدند. سرکوب این حکومت ملی - دمکراتیک بوسیله ارتجاع ایران و همکاری امپریالیستهای آمریکا و بریتانیا، اوضاع را در کردستان ایران بر روال سابق برگرداند.

اکنون در آستانه دهه دوم قرن 21 م، کردستان ایران همچنان درگیر نبردی خونین با رژیم قرون وسطایی حاکم است. اعدام فرزندان خلق گرد، سرکوب، بازداشت، ترور و تشنج آفرینی از طرف

رژیم حاکم همچنان در حال گسترش است. دلیل آن این است، که تمامی آن عوامل بنیادی که این جنبش را تغذیه می کند و مسئله گرد را به یک فاکتور ثابت در وضعیت داخلی کشور و خاورمیانه تبدیل می کند، به جای خود باقی است.

فرقه دمکرات آذربایجان ایران، سالگرد دوم بهمن را به ملت گرد و حزب دمکرات کردستان ایران تبریک می گوید و بر همکاری و پیوند هر چه بیشتر نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی کشور، در راه ایرانی آزاد و فدرال تأکید دارد.

آنچه که سیمای واقعی این جنبش مردمی را تصویر می کند، شناخت دوست و دشمن در عرصه داخلی بین المللی بود. در عرصه داخلی، پیوند و همکاری تنگاتنگ و اتکا جدی به جنبش نیرومند 21 آذر به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان ایران و حزب توده ایران بود، و در عرصه بین المللی روابط دوستانه و برادرانه با نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی جهان به رهبری اتحاد شوروی سوسیالیستی بود.

که دشمنی و کینه تیزی امپریالیستهای آمریکا و انگلستان را بدنبال، و در تحلیل نهایی سرنوشت جنبش را رقم زد.

حکومت کردستان پس از براندازی سلطه ارتجاع و امپریالیسم در منطقه تحت حاکمیت خود، با توجه به شرایط و ویژگیهای اوضاع کردستان به مجموعه ای اصطلاحات مترقی دست زد.

قبل از هر چیز تمامی حیات اجتماعی در کردستان ایران به زبان گردی تغییر کرد. برای این امر کمیسیون ویژه ای برای طراحی سیستم لازم تعیین گردید. رفرم در مدارس آموزشی که تحصیل را از سن 6 تا 14 سالگی اجباری اعلام داشت، صورت گرفت. و برای ریشه کن ساختن بیسوادی مدارس شبانه برای بزرگسالان تشکیل گردید.

حکومت خودمختار کردستان توجه ویژه ای به نشر مطالب اجتماعی - سیاسی به زبان گردی مبذول داشت. در چاپخانه مهاباد روزنامه « کردستان » ارگان دولت کردستان و حزب دمکرات کردستان بطور منظم انتشار می یافت و در صفحات آن مسائل مربوط به حیات داخلی جمهوری، وضعیت سیاسی ایران و اوضاع بین المللی انعکاس می یافت. گذشته از این مجلات ماهانه « هاوار »، « آگری » و روزنامه « هلاله » برای زنان منتشر می گردید. تحت تأثیر جو دمکراتیک منطقه کردستان، روشنفکران گرد، به خصوص در عرصه های

توضیح ضرورت تاریخی و منطقی آن باید کماکان در دستور کار فعالیت تبلیغی و ترویجی روزمره ی مان قرار داشته باشد. پیدایش و قوام اشتراک فرهنگی، زبانی، سرزمینی و اقتصادی و زایش ملت نتیجه ی تمایل و اراده ی دلخواه کسی نیست بلکه حاصل روندی است درون زا و تاریخی که به محض شکل یافتن، تعیین خویش را فقط در پیوند با متحدان برابر حقوق میتواند تعریف کند و بدین ترتیب است که کل تازه ای متولد میشود.

به هینت سیستم زنده ای درمی آید. اشتراکهای نو پدید موجودیت مییابند و در نهایت سازوکاری شکل میگیرد که عملکرد آن رفع ستم ملی و تامین پیشرفت و توسعه متوازن و برقراری دمکراسی میتواند باشد.

در چگونگی این ماجرا هیچگونه راز و رمز ناگشوده ای وجود ندارد. راه حل پیشنهادی ما برای حل مسئله ی ملی یعنی تامین حق تعیین سرنوشت و اتحاد داوطلبانه ی همه ی ملتها در یک جمهوری فدرال، فقط فرمول بندی روندی است که جلوی چشمهای مان جریان دارد. اگر دست از جدال با واقعیت برداریم آن گاه دریافت و هضم این پروسه ی بخرنج اجتماعی براحتی با در نظر گرفتن دیالکتیک کثرت وحدت، جزء و کل و ملی و طبقاتی موجود در خود واقعیت عینی حاصل خواهد شد.

و بدین ترتیب با صراحت تمام به بحث و بررسی دیگر باره ی مشی تاریخی خود نشستیم تا ضمن تدوین راهکارهای مناسب اوضاع و احوال جاری، راه را بر هر گونه خیال پردازی، کج فهمی، مجاز را به جای واقعیت نشانادن و عمده کردن نقش عامل خارجی نیز بسته باشیم.

به عبارتی دیگر کنفرانس موفق شد با سیر و سلوکی از آن دست که ذکرش رفت در مقابل گروه هایی از اپوزیسیون که با فروپاشی اتحاد شوروی دچار آنارکونیسم (خواندن تاریخ از جلو به عقب) شده اند نیز به مرز بندی روشنی دست یابد.

اصرار گروههای مذکور بر حل مسائل قرن 21 توسط فرمولهای عاریت گرفته شده از قرن نوزدهم آنها را (حتی در صورت حسن نیت) دچار وضعیت متناقضی کرده است.

- جایگزینی حقوق فردی و شهر وندی بجای حقوق جمعی اعم از ملی و طبقاتی
- اعلام حق تعیین سرنوشت بعنوان ناقض تمامیت ارضی و نادیده انگاشتن ضرورت اتحاد داوطلبانه
- تقدیس ساختار دولت-ملت که یادگار تمرکز ضد ملی است به منظور انکار کثیرالمله بودن کشور
- مطلق کردن تضاد میان پروسه های ملی و طبقاتی و ندیدن وحدت آنها
- طرح بدون پشتوانه و نامعقول "وحدت ملتهای تقسیم شده"

همه و همه از مظاهر یک جانبه نگری و ذهن گرایی درمان ناپذیری است که ادامه ی منطقی آن خواسته یا ناخواسته به تایید اشکار ستم ملی می انجامد و یا اگر دقیقتر گفته باشیم همه اشکال مختلف ستم ملی اعم از سیاسی-حقوقی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی-زبانی از این طریق توجیه تئوریک یافته و بر تن بد قواره شوینسم منحط طبقات و وابسته و ضد ملی و نمایندگان مدافع آنان جامه ی آراسته ی میهن پرستی خواهد پوشاند.

\*\*\*\*\*

## باز هم در باره ی کنفرانس دهم

با آغاز دهه ی 90 قرن گذشته در جهان و کشور ما دگرگونی های پر دامنه و بزرگ ابعادی آغاز شدند که نه فقط مرزهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را در نور دیدند بلکه پیامد و نتایج آنها را همچنان باید به انتظار نشست.

فرو پاشی اتحاد شوروی و تبعات بعدی آن، تلاش ناموفق سرمایه داری جهانی به رهبری آمریکا برای ایجاد باصطلاح نظم نوین، تشدید جهانی سازی زیر نظارت نئولیبرالها و با سوءاستفاده از دستاوردهای علم و فن، دستکاری جغرافیای سیاسی کشورهای مانع جهت تغییر موازنه ی قدرت و تامین هر چه بیشتر منافع انحصارات فراملی، گسترش و ژرفش بحران مالی و ساختاری سرمایه داری، اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی و ضد انحصارات و خیزش نوین ناسیونالیزم ملتهای ستم دیده از آن جمله اند.

در داخل کشور نیز در 20 سال گذشته می توان از سرعت گرفتن روند قدرت گیری بورژوازی بزرگ تجاری و بوروکراتیک نام برد که با توصیه ها و دستور العملهای صندوق بین المللی پول آغاز شد و امروز بخش پر نفوذ و قدرتمند آن در سیمای بلوک نظامی-امنیتی تقریباً تمامی حاکمیت را قبضه کرده است. پلیسی شدن فضای عمومی و سرکوب بی سابقه ی خلقهای کشورمان نیز در همین ارتباط قابل توضیح است.

هر چند ما در گذشته بمناسبت های مختلف این رویداد های مهم را ارزیابی و نسبت به آنها اعلام موضع کرده ایم اما تحلیل جامع همه ی این روند ها و رخداد ها و تعیین اهداف و وظایف دور و نزدیک فرقه ی دمکرات آذربایجان در شرایط پر تلاطم کنونی تنها از عهده ی نشستی صلاحیتدار برمی آمد. بعلاوه از آنجائیکه ارزیابیهای مغرضانه و بعضاً بد خواهانه ایی در باره ی تاریخ حیات سیاسی ما وجود دارد بررسی درستی و صحت راه طی شده، با احتساب تحولات پیش گفته اهمیت کلیدی داشت.

به جرأت میتوان گفت که با برگزاری این اجلاس و تلاش دسته جمعی برای جمع بندی دقیقتر بررسی های جداگانه، پس از سالها، اهداف و تدابیر تاکتیکی ما، چارچوب مستحکم تری یافته اند.

در این میان بی تردید مهمترین موضوعی که در دستور کار کنفرانس قرار داشت مسئله ملی بود.

امری که کامیابی نشست ما بیش از هر چیز به چگونگی طرح و حل آن بستگی داشت. بعلاوه مواضع متخذه می بایست چنان باشد که در مقابل بدیل های دیگری در این باره بتواند خود را بر کرسی ثبوت نشانده و راستی اش را اساسمند گرداند. در همین راستا در جریان تدارک کنفرانس بود که بیشتر متوجه ی حساسیت اوضاع شدیم و بحث ها و مذاکراتی که جهت ترتیب و تدوین مسائل صورت گرفت بسیار راهگشا بودند.

65 سال است که فرقه ی دمکرات آذربایجان برای تامین حق تعیین سرنوشت ملل و اقوامی که در کشور ایران زندگی میکنند رزمیده است.

هم زمان هیچ گاه از تلاش برای اتحاد داوطلبانه و برابر حقوق همه ی خلق ها به عنوان وسیله ی منحصر بفرد رفع ستم ملی دست نکشیده است. با وجود این، تجربه ی برگزاری کنفرانس نشان داد که در شرایط کنونی اثبات درستی این خط مشی و

جمهوری آذربایجان قدرتمندترین دولت منطقه قفقاز را داراست و قوی ترین ارتش منطقه را در اختیار دارد. این کشور با کمکهای غرب، پیشرفته ترین ارتش منطقه را در اختیار دارد.

## جمهوری آذربایجان قدرتی در حال ظهور در قفقاز

ذخایر اثبات شده نفت خام آذربایجان در پایان سال 2008 برابر 7 میلیارد بشکه بوده است که حدود یک درصد ذخایر اثبات شده جهان را تشکیل می دهد. این کشور روزانه 914 هزار بشکه نفت تولید می کند که با صرفه جویی در مصرف در سال 2008 با 26 درصد کاهش مصرف، مصرف روزانه خود را به 71 هزار بشکه در 2008 رسانده است. ذخایر اثبات شده گاز آذربایجان در همین سال یک و دو دهم تریلیون متر مکعب و تولید سالانه چهارده و هفت دهم میلیارد متر مکعب بوده است که در نتیجه این کشور به جریه صادر کنندگان گاز منطقه تبدیل شده است

جمهوری آذربایجان با مساحتی برابر هشتاد و هفت هزار کیلومتر مربع در شرق قفقاز واقع شده و نوار مرزی آن در ساحل غربی دریای خزر 456 کیلومتر است. بندر باکو بزرگترین شهر ساحلی دریای خزر با دو میلیون نفر جمعیت یکی از بزرگترین و قدیمی ترین شهرهای منطقه است. جمهوری آذربایجان هم از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی و هم مکان جغرافیایی از اهمیت خاصی در منطقه قفقاز و دریای خزر برخوردار است که این موقعیت یگانه و تغییرناپذیر است.

جمهوری آذربایجان که جمعیت آن از 7/7 میلیون نفر در سال 1995 به هشت میلیون و هفتصد هزار نفر در سال 2008 رسیده است (با رشد سالانه حدود 1/1% در سال)، توانسته است طی این مدت تولید ناخالص داخلی خود را از دوونیم میلیارد دلار در سال 1994 به چهل و شش میلیارد دلار در سال 2008 برساند. در عین حال درآمد سرانه از 319 دلار در سال 1995 به 5321 دلار در سال 2008 رسیده است (حدود هفده برابر افزایش).

میراث فرهنگی و معماری ملی و اسلامی جمهوری آذربایجان مهمترین عامل ثبات ملت جمهوری آذربایجان است. آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است که با برخورداری از باور آذربای به اینکه خودشان ملت بزرگی هستند که سابقه دولتمداری در منطقه را دارا هستند، به آنان نوعی اعتماد به نفس داده است. میراثهای گرانبهای معماری و آداب و رسوم مردم آن در کنار تنوع فرهنگی و انواع غذاها، پوشاک و صنایع دستی متنوع و چشم اندازهای جغرافیایی متنوع این کشور را به موزه مردم شناسی تبدیل کرده است که همه ساله هزاران گردشگر خارجی را بخود جلب می کند که موجب شکوفایی اقتصادی می شود.

دولت آذربایجان 22/7% از تولید ناخالص داخلی کشور را مصرف می کند و کسری بودجه آن سالانه کمتر از 1% بوده است. در سال 2007 در بخش صنعت 88%، در ساختمان 71%، در کشاورزی 99%، در تجارت 99% و در حمل و نقل 71% توسط بخش خصوصی تولید می شود. این شاخصها نشان دهنده موفقیت برنامه های خصوصی سازی اقتصادی بوده است. از سال 2003 تا کنون نرخ برابری منات در برابر دلار تقویت شده و پول ملی از قدرت با ثباتی برخوردار است. در سال 2007 در آذربایجان حدود 5 میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم صورت گرفته که در منطقه بی سابقه بوده است. در سال 2006 حجم تجارت خارجی آذربایجان برابر یازده میلیارد و هفتصد هزار دلار بوده است (واردات 5266 میلیون دلار و صادرات 6372 میلیون دلار). در همین دوره رقم مربوط به ارمنستان دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار بوده است. در سال 2007 حجم تجارت خارجی یازده میلیارد و هشتصد میلیون دلار بود که شامل شش میلیارد و صد میلیون دلار صادرات و پنج میلیارد و هفتصد میلیون دلار واردات بوده است. البته ناگفته پیداست که سهم نفت در تجارت خارجی بسیار زیاد است و بدون دسترسی به درآمدهای نفتی این میزان تجارت خارجی ممکن نمی شد، چیزی که ارمنستان از آن محروم است. تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره 117 میلیارد دلار بوده است. به سخنی دیگر می توان گفت که چون جمهوری آذربایجان جمعیتی برابر یک دهم ایران دارد، ادامه در ص

جمهوری آذربایجان پرجمعیتترین کشور در میان جمهوری های قفقاز است. در سال 2008 جمعیت جمهوری آذربایجان به هشت میلیون و هفتصد هزار نفر رسید که حدود 52 درصد آنها در شهرها زندگی می کنند. در آذربایجان 24 درصد و در ارمنستان 22 درصد جمعیت کمتر از 15 سال دارند. آذربایجان جمعیتی با ساختار جوانان دارد که به نیروی کار آموزش دیده تبدیل و در آینده آذربایجان نقش ارزنده ای ایفا خواهند کرد.

زیبایی های مدرن باکو پایتخت آذربایجان شمالی

پیش بینی می شود جمعیت آذربایجان در سال 2025 به ده میلیون و در 2050 به یازده و نیم میلیون نفر برسد. در مقابل جمعیت ارمنستان در حال حاضر سه میلیون نفر است که در سال 2025 به سه و نیم میلیون و در سال 2050 در همان حد باقی خواهد ماند و رشدی نخواهد داشت. امید به زندگی در بدو تولد در آذربایجان برای مردان 70 و برای زنان 75 سال است. اکنون جمعیت آذربایجان به تنهایی بیش از جمعیت دو جمهوری دیگر قفقاز (ارمنستان و گرجستان) است.

در سال 2007 در آذربایجان از تعداد کل شاغلان در بخش اقتصادی 70 درصد در بخش خصوصی فعال هستند. تعداد بیکاران 281 هزار نفر (6/5% فعال از نظر اقتصادی) بوده است که تنها 51 هزار نفر آنها ثبت شده اند.

جنگ زده نیمه نخست دهه 1990 نیست و با همان ادبیات آن دوره نمی توان با آن گفت و گو کرد. اکنون جمهوری آذربایجان نه تنها تهدیدی احساس نمی کند، بلکه می خواهد با تکیه به قدرت اقتصادی و پشتوانه شرکتی که در آنجا سرمایه گذاری کرده اند، سیاست خارجی مستقلی را در پیش بگیرد. طبیعی است که رئیس جمهور آذربایجان آقای الهام علی یف تجربه دولتمداری را هم در خانواده و از پدر و هم در دانشگاههای مسکو فراگرفته و عملکرد چشمگیری در دوره اول ریاست جمهوری داشته است. اقدامات عمرانی و رفاهی دولت آذربایجان که در سایه درایت های رئیس جمهوری و در کنار افزایش قیمت نفت در سالهای اخیر بدست آمده است آذربایجان را به کشوری پیشرو تبدیل کرده است. ساخت و ساز زیربناها و خدمات عمومی که مردم از آن بهره می گیرند، سبب افزایش قدرت دولت و حکومت شده است. تعداد دیگری از کشورهای نفت خیز در منطقه وجود دارند که نه تنها از افزایش درآمدهای نفت برای رفاه مردم بهره نبرند، بلکه درآمدهای سرشار نفت به ایجاد بحران های سیاسی و اقتصادی کشورشان نیز دامن زد. از اینرو مقایسه آذربایجان با سایر کشورهای مشابه نشان می دهد که در جمهوری آذربایجان عزم عمومی برای توسعه وجود دارد و مردم به این باور رسیده اند که می توانند برنامه های توسعه ای خود را دنبال کنند. کمتر کشوری را در محیط بین الملل می توان یافت که با وجود بحران تمامیت ارضی بتواند بسوی توسعه زیربناها گام بردارد. اکنون آذربایجان به درجه ای از قدرت در تمام زمینه ها (ثروت، صنعت، آموزش، علم و فرهنگ، نیروهای مسلح) رسیده است که می تواند با بسیج جوانان خود جبهه قره باغ را براحتی فتح کرده و حاکمیت خود در این منطقه به اعاده کند، اما دولتمردان آذربایجان بخوبی بر این امر واقفند که صلح بد بهتر از جنگ خوب است. جنگ برنده ای ندارد و حتی طرف پیروز هم شکست خورده است. اکنون جهان جهان گفت و گو و مفاهمه است. جنگ به انسانهای عقب افتاده تعلق دارد. جامعه آذربایجان و ارمنستان از جوامع پیشرفته و مدنی هستند. در سیاست خارجی آذربایجان اعاده حاکمیت بر قره باغ از راه مذاکره و زبان دیپلماسی مطرح است و در این راه آذربایجان موفقیت های بسیاری در عرصه بین الملل کسب کرده است. زمانی نخواهد کشید که آذربایجان در اثر توسعه به کشوری مهم تبدیل خواهد شد و در آن زمان ساکنان ارمنی قره باغ خودشان با میل و رغبت به آغوش آذربایجان بازخواهند گشت. زیرا یک واحد سیاسی خودمختار و توسعه یافته و مرفه در ترکیب جمهوری آذربایجان (جمهوری خودمختار قره باغ کوهستانی)، بسیار جذاب تر از یک واحد سیاسی مستقل ضعیف و فقیر است (جمهوری خودخوانده ناگورنو قره باغ). سازمان های مردم نهاد (NGO)، هنرمندان، نویسندگان، شعرا، موسیقیدانان، خوانندگان مردمی و ملی، اساتید دانشگاهها، نمایندگان پارلمان و شخصیت های مستقل علمی و فرهنگی هر دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان پتانسیلهای آن را دارند که قفقاز را به بستر همکاریهای علمی، فرهنگی، هنری، صنعتی و گردشگری تبدیل و منطقه ای بدور از تنشهای قومی و کج فهمی تبدیل کنند. آن روز دیر نیست. باب گفت و گو همیشه باز است. روشنایی پشت در است، در را بکشاییید.

تجارت خارجی آن هم به اندازه یک دهم ایران است و هر دو کشور شیعه و صادر کننده نفت با شاخصهایی برابر در حال توسعه هستند. به این ترتیب جمهوری آذربایجان به قدرتی تاثیر گذار در منطقه خود تبدیل شده است. بهره برداری از چاههای نفتی که در سال 1995 به نام پروژه بزرگ قرن نام گرفت، با افتتاح خط لوله باکو- تفلیس- جیهان، و خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس ارزروم، درآمدهای سرشاری را نصیب دولت آذربایجان کرده و رشد تولید ناخالص دو رقیمی آن در سالهای اخیر ناظران را متحیر کرده است. ایجاد آرامش در سایه ساختار قدرتمند دولت مرکزی و تقویت موقعیت حزب یئنی آذربایجان (حزب هوادار دولت) است که زمام امور کشور را در اختیار دارند. حدود 23 درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور سرمایه گذاری صورت می گیرد. چند سال متوالی است که آذربایجان رشد بی نظیر سالانه دو رقیمی را تجربه می کند و در سال 2008 رشد آن نسبت به سال قبل 11 درصد بوده است. از موفقیت های مهم جمهوری آذربایجان کاهش رشد جمعیت و تنظیم خانواده است که اکنون به 1/1 درصد رسیده است. از اینرو می توان گفت که سهم تولید ناخالص سرانه سال بسال افزایش خواهد یافت. در شهر باکو گفته می شود که بیش از 400 برج اداری و مسکونی سربرافراشته یا در حال ساخت هستند. چهره پایتخت کشور نسبت به سالهای آغازین دهه 1990 کاملاً دگرگون شده است. امروزه شهر باکو به مرکز سرمایه گذاری شرکت های خارجی و دولتهای متعدد غربی تبدیل شده است. زمانی آذربایجان بشدت نیازمند کمک های ایران بود و خود را وابسته به ایران می دید اما اکنون اوضاع دگرگون شده است. سرمایه گذاری در صنعت نفت و انرژی چهره کشور و ساختار اقتصادی، اجتماعی و در نهایت سیاسی آن را دگرگون کرده است. به همین سبب آذربایجان قصد آن دارد که با تکیه بر متحدان منطقه ای و فرامنطقه ای و ساختارهای قدرتمندی که از درآمدهای نفتی بدست آورده است، به ایفای نقش بپردازد. در این راستا و در شرایط کنونی آذربایجان تا کسب قدرت قابل قبول و آمادگی کافی، قصد رویارویی نظامی با ارمنیه قره باغ را ندارد که از سال 1994 حدود 20 درصد خاک آن را تجزیه و اعلام استقلال کرده اند. بودجه نظامی آذربایجان سال بسال در حال افزایش است. نیروهای نظامی آن با استانداردهای اروپایی نوسازی و آموزش دیده می شوند. آن طور که گفته می شود شاید آذربایجان زودتر از گرجستان و ارمنستان به ناتو بپیوندد. از اینرو باکو به مرکزی برای رفت و آمد و بازدیدهای سران جهان و مقامات بلند پایه جهانی تبدیل شده است. کنفرانس های بین المللی، دیدار های رسمی، برگزاری جشنواره ها و کنگره های جهانی، و دیگر اقدامات دولت جمهوری آذربایجان در راستای ایفای نقش بیشتر در منطقه و جهان، نشان از اراده باکو برای بین المللی شدن دارد. انتخاب باکو به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال 2009 از سوی آیسیسکو و یونسکو، نشان از پتانسیلهای آذربایجان در مناسبت های مهم جهانی دارد. در عرصه سیاست های داخلی هم آذربایجان گام های مهمی برداشته است و توانسته است با تکیه بر درآمدهای نفتی زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و آموزشی خود را دگرگون و در راههای توسعه گام بردارد. اکنون جمهوری آذربایجان آن کشور کوچک و فقیر

## آزادزیستن حق هر انسان است.

ایران کشوری است دارای تمدن باستانی. این کشور مردم فعال و هوشمندی دارد. میهن پرستی یکی از عمده ترین خصوصیات ایرانیان است. در عین حال در این کشور اقوام و ملل گوناگونی زندگی میکنند. در شرایط بحرانی و مداخله خارجی از میهن مشترک دفاع میکنند. ۱۵۰ سال ایرانیان غیور علیه ارتجاع سیاه قیام کردند. همچنین در برابر تهاجم خارجی ها مقاومت کردند. ملت با این خصوصیات نه باید مورد فشار قرار گیرد و از آزادی محروم گردد. اما حاکمان این کشور نمی گذارند مردم در شرایط آزادی زندگی کنند. انقلاب مشروطه سیستم سیاسی اروپا را کپی کرد. اولین بار مجلس تشکیل گردید. دولت مجبور شد در برابر مجلس جوابگو باشد. اما طولی نکشید ساختار سیاسی جدید خالی از محتوا گردید. دیکتاتوری قدرت را بدست گرفت. مجلس را به طویل تشبیه کرد. انقلاب بهمن دیکتاتوری را از میان برداشت. سلطنت را برچید کشور به یک جمهوری منتخب مردم تبدیل گردید. اما باز هم طولی نکشید آزادیها بر باد رفت. آزادی در کشور از میان برداشته شد. اکنون انتخابات دوره ۹ مجلس در پیش است. اخبار خبر گزاریها درباره آزادی انتخابات خوشبین نیستند شورای نگهبان شمشیر ضد آزادی را صیقل میدهد خود را آماده می سازد تا از شرکت اصلاح طلبان در انتخابات جلوگیری نماید. اگر چنین باشد آنوقت هم مجلس هم دولت در دست کسانی متمرکز خواهد شد که به آزادی و دموکراسی اعتقاد ندارند. بدین ترتیب شکاف میان ملت و دولت عمیق تر خواهد شد. این عمل حتی به نفع خود اصولگرایان نیست.

حکومت نماینده ملت است. بنابراین ملت باید در تشکیل دولت سهیم باشد. در غیر این صورت حاکمیت را نمی توان نماینده ملت محسوب نمود.

آزادی بیان در بسیاری از کشورها تأمین شده است. کشورهای که از لحاظ اقتصادی و بدین وسیله از لحاظ فرهنگی رشد یافته اند اظهار نظر در مورد نواقص جامعه ضرورت پیدا می کند. کشورهای در شرق و غرب این اصل را پذیرفته اند که انسان باید آزادانه اظهار عقیده کند. مثلا ترکیه و هندوستان دو کشوری آسیای هستند. در این کشورها آزادی بیان بطور کامل تأمین شده است. روزنامه نگران سیاست دولت را مورد نقد قرار میدهند و برای رفع اشتباهات پیش نهاد مفید ابراز میدارند. بدین سبب این دو کشور بویژه هندوستان جزئی از کشورهای است که در آن دموکراسی بر قرار است. در برخی از کشورهای آسیا از آزادی و دموکراسی خبری نیست. آزادی بیان در این کشورها عملا ممنوع شده است. کشورهای خاورمیانه از این جمله کشورهای هستند که هیچ شهروندی قادر نیست اظهار عقیده نماید و یا حاکمان کشور را مورد انتقاد قرار دهد. ایران یکی از این کشورها است که آزادیخواهان سرکوب میشوند. مثلا آزادی در ایران بر میگردد به دوران سلطنت قاجارها. در آن سالها روشنفکران و روزنامه نگران آزادیخواه تحت تعقیب قرار میگرفتند. استامبول، قاهره، کلکته، قفقاز، پاریس، لندن پناهگاهی روزنامه نگران آزادیخواهان بودند. در سالهای حکومت پهلوی ها نه تنها آزادیهای دموکراتیک وجود نداشت، بلکه آزادیخواهان نیز مورد تعقیب قرار می گرفته اند. در پنجاه سال حکومت پهلوی ها چند روزنامه دولتی منتشر میشد و به جز مداحی از پادشاه چیز دیگری نمی نوشتند. این روزنامه ها در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد کار را به جانی رساندند که شاه را به ماه و ستاره تشبیه میکردند. در تاریخ ایران دو بار یکی در دهه اول (انقلاب مشروطه) و دومی حضور نیروهای متفقین در دهه چهلیم قرن ۲۰ آزادیهای دموکراتیک یعنی آزادی بیان قلم و تشکیل احزاب تأمین گردید. مردم ایران بعد از انقلاب بهمن نیز در دوران کوتاه از آزادیهای دموکراتیک بر خوردار شدند. اما این آزادی نیز ادامه پیدا نکرد. آزادی بیان محدود گردید. هر روزنامه نگاری که خط قرمز را بگذرد مجازات میشود.

بسیج شدند و علیه حکومت زحمتکشان به مبارزه پرداختند. این مبارزه اشکال گوناگونی به خود گرفت. جنگ داخلی و تهاجم نظامی از خارج همچنین جنگ روانی و محاصره اقتصادی نتوانست حکومت جدید را سرنگون کند. مردم انقلابی روسیه در کوتاه ترین مدت کشور را به عالی ترین رشد اقتصادی هدایت نمود آن را به دومین قدرت جهانی مبدل ساخت، مستعمرات سابق روسیه به خود مختاری ملی دست یافتند. روسیه به یک حکومت متحد و مقتدر تبدیل گردید آسیای مرکزی مانند مناطق دیگر روسیه به منطقه رشد یافته کشاورزی و صنعتی مبدل گردید. فنودالیزم جای خود را به سیستم اقتصادی مدرن داد.

بیسوادی و بیماری مزمن از میان رفت. دانشگاهها و هنرستانها بزبان مادری تأسیس گردید. چنانکه آسیای مرکزی با کشورهای همجوار قابل مقایسه نبود.

اما رهبران روسیه بعد از هفتاد سال به راه پدران خود پشت کردند به برده گان زر خریده امپریالیزم جهانی تبدیل گردیدند. جرج بوش بزرگ رئیس جمهوری وقت آمریکا با صراحت اعلام نمود که آمریکا برای از میان برداشتن روسیه سوسیالیستی سه تریلیون دلار هزینه کرده است. گارباجف در برابر «خدمات» خود از آمریکا باز هم بنابه اعتراف جرج بوش سه میلیارد دلار پاداش گرفت. سوسیالیزم از میان رفت جمهوریهای آسیای مرکزی نیز مانند جمهوریهای دیگر به استقلال خود دست یافتند. این جمهوریها نیز مانند روسیه کنونی گام به عقب برداشتند. پدر سالاری شکل حکومتی به خود گرفت. ادامه در ص ۸

## آسیای مرکزی

آسیای مرکزی سالیان دراز تحت قیمومیت قدرتهای بزرگ اداره شده است. امپراتوری روسیه تزاری آخرین قدرتی بود که این منطقه بزرگ و ثروتمند را تحت نظارت خود در آورد. بعبارت دقیق تر آسیای مرکزی آخرین بار به مستعمره ای روسیه تبدیل گردید. در سالهای حاکمیت روسیه هیچ تغییر ساختاری در این منطقه به عمل نیامد. سیستم فئودالی در این منطقه به موجودیت خود ادامه داد امرای حاکم آسیای مرکزی را همچنان اداره می کردند. این کار تحت حمایت استعمارگران روسیه انجام میگرفت. اشغال آسیای مرکزی به امپراتوری روسیه امکان میداد تا پایگاه خود را در سرحدات هندوستان مستقر نماید. روسیه نه تنها در آسیای مرکزی بلکه در ایران نیز با استعمارگران بریتانیا روبرو شده بود. قفقاز و آسیای مرکزی آخرین پایگاه روسیه محسوب نمی شد. دست یابی به آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند هدف دراز مدت روسیه تزاری را تشکیل میداد. جنگ جهانی اول امپراتوری روسیه را بزانو در آورد. سلطنت مطلقه فروپاشید. ارتش تبعیت از فرماندهان خود سر باز می زدند. حکومت موقت از اداره کشور عاجز مانده بود. انقلابیون روسیه با استفاده از موفقیت مناسب حکومت را در دست گرفتند. بدین ترتیب حکومت جدید روی خرابه های امپراتوری بوجود آمد. این حکومت در تاریخ اولین حکومتی بود که ثروتمندان را از قدرت سیاسی و اقتصادی کنار زد. زحمتکشان را صاحب ثروت ملی خود گرداند. بدین سبب بود که صاحبان ثروت یعنی استعمارگران داخلی و استعمارگران خارجی

## آسیای مرکزی...

کشورهای آسیای مرکزی روحیه قدرت طلبی به آن قدر قوی است که رهبران آنها به بیماری سرگیجی مبتلا شده اند. سران جمهوریهای آسیای مرکزی ۲۰ سال است به مسند قدرت تکیه زده اند و حاضر نیستند جای خود را از طریق انتخابات آزاد به دیگران تحویل بدهند. همه این رهبران از طریق انتخابات به قدرت رسیده اند. دوره انتخابات ریاست جمهوری منتخب ده سال است. هر یک از آنها در انتخابات نوبتی پست خود را حفظ کرده اند. آنها باین نیز اکتفا نمیکنند. میخواهند برای ابد در قدرت باقی به مانند. در ترکمنستان چنین شد ترکمن باشی تا نفس آخر در رأس قدرت باقی ماند. مجلس نمایندگان قزاقستان با تصویب قانون مدت ریاست جمهوری نظربایف را تا دو هزار بیست تمدید نمود. بعبارت دیگر نظربایف ده سال دیگر در قدرت باقی خواهد ماند. این بار نه از طریق انتخابات بلکه از طریق تصویب نامه مجلس.

در کشورهای مسلمان حاورمیان به استثنای ترکیه همه روسای دولت مادام العمر حکومت می کنند. قسمتی از این کشورها را پادشاه قسمتی دیگری را رئیس جمهور اداره میکند. آسیای مرکزی نیز بعد از فروپاش شوروی در کنار این کشورها قرار گرفت. اما تاریخ در جا نمیزند. و در حال حرکت به جلو است. رهبران این کشورها با انحصار قدرت نمی توانند. حرکت تاریخ را متوقف نمایند.

آسیای مرکزی در اوائل قرن ۲۰ با یک جهش انقلابی از فئودالیزم به سوسیالیزم پا نهاد. در اواخر قرن ۲۰ باز هم با یک جهش ضد انقلابی. سوسیالیزم را کنار زد. پدر سالاری را جای گزین آن نمود. در آسیای مرکزی مؤسسات صنعتی از هم پاشید. کشاورزی نیز رو به تنزل گذاشت. منابع طبیعی (نفت و گاز) عمده ترین در آمد جمهوریهای آسیای مرکزی را تشکیل میدهد. قزاقستان، ترکمنستان، اوزبکستان دارای منابع سرشار نفت و گاز هستند. قشر فوقانی این سه جمهوری با استفاده از در آمد نفت و گاز به ثروت کلان دست یافتند. قیرقیزستان و تاجکستان نفت و گاز ندارد. بدین سبب است که مردم این دو جمهوری با فقر و فاقه گریبان گیر هستند. در این جمهوریهای فقر و ثروت کنار هم قرار گرفته است. قشر بندی ماهیت جامعه طبقاتی را تشکیل میدهد. در کشورهای سرمایه داری رشد یافته تقسیم ثروت شکلی به خود میگیرد که هارمونی جامعه را تامین می نماید. فقر مطلق در این کشورها وجود ندارد. گرچه صاحبان سرمایه با استثمار کارگران ثروت کلان به دست آورده می آورند. اما سهمی بیشتر در اختیار تولید کنندگان ثروت قرار میدهند. تقسیم ثروت به این شکل موازنه سیاسی را به هم نمی زنند. بر عکس به آن «استحکام» می بخشد. در کشورهای عقب مانده و در حال رشد. ۸۰ درصد اهالی با فقر، خواه با فقر نسبی و یا فقر مطلق روبرو هستند. کشورهای استقلال یافته جدید جزئی از کشورهای در حال رشد هستند. ۷۰ و ۸۰ درصد اهالی این جمهوریها فرق محسوسی با کشورهای در حال رشد ندارند. در همه کشورها از جمله در



## ۲۱ سال از فاجعه ای ۲۰ ژانویه میگذرد

اواخر سالهای ۱۹۸۰ و اوائل سالهای ۱۹۹۰ فاجعه بارترین سالهای در اتحاد شوروی بود. در این سالها با سیاست عوام فریبانه گارباچف شیرازه ای دولت بزرگ از هم پاشید. در اراضی وسیع شوروی نا فرمانیها توسعه یافت. این نا فرمانیها بویژه در جمهوریهای ۱۵ گانه گسترش پیدا کرد و به درگیریهای خونین منجر گردید. مردم شهر آلماتا به خیابانها ریختند و علیه تغییر در رهبری به ادارات دولتی حمله بردند. این درگیری با ریختن خون مردم عادی پایان یافت. جمهوریهای بالتیک به خیابانها آمدند. خواهان استقلال شدند. در اوزبکستان مردم علیه ترکها مسحتی دست به آشوب زدند. مسحتی ها را از ازبکستان بیرون راندند. در گرجستان و آذربایجان مردم علیه دولت مرکزی قیام کردند. در نتیجه مداخله نظامی در هر دو جمهوری عده زیادی کشته و یا زخمی شدند. آذربایجان از سال ۱۹۸۷ علیه اشغالگران ارمنی میجنگید. در شهرهای بزرگ آذربایجان هر روز صف تظاهر کنندگان وسعت پیدا کرد. هزاران نفر به خیابانها می آمدند و از دولت مرکزی می خواستند. جلوی تجاوز ارمنی ها را به گیرند. این تظاهرات شب و روز ادامه می یافت. مسکو با اعزام نیروی نظامی و با اعلام حکومت نظامی در شهرهای آذربایجان می خواست. جلوی این تظاهرات را به گیرد. اما همه این تدابیر نمی توانست آرامش را در شهرها برقرار نماید. در چنین شرایطی بود که مسکو نیروی ضربتی به باکو و گنجه اعزام نمود و بدون اعلام عملیات در شب ۲۰ ژانویه ۱۹۹۰ از شمال و شرق به شهر باکو حمله بردند و مردم بی سلاح را هدف آتش مسلسل های سنگین و سبک قرار دادند. این حمله وحشیانه با مشایعت تانگها و خود روهایی نظامی تا پاسی از شب ادامه دادند. این حمله وحشیانه دهها کشته و صدها زخمی بجای گذاشت. صبح همین روز مردم به خیابانها ریختند هزاران نفر در این تظاهرات شرکت نمودند. ۲۰ ژانویه روز سوگواری

اعلام گردید. سیاست ضد مردمی گارباچف سراسر اتحاد شوروی را به میدان جنگ مبدل نمود. در این جنگ نا برابر مردم عادی کشته میشدند. اعتراض مردم علیه حکومت مرکزی افزایش می یافت. سیاست سرکوب گرانه گارباچف را رهبران حکومت شوروی در غیاب گارباچف ادامه دادند و کمیته فوقالعاده تشکیل دادند و نیروهای نظامی را به خیابانهای مسکو کشاندند. اما این عملیات موثر واقع نشد. سران کمیته دست گیر شدند. یلتسین حکومت را در دست گرفت از آن تاریخ فروپاشی اتحاد شوروی آغاز گردید.

در چنین شرایطی بود که جمهوریهای شوروی از جمله جمهوری آذربایجان استقلال خود را اعلام نمودند. اکنون ۲۰ سال از این فاجعه میگذرد. آذربایجان مستقل با گامهای بلند پیش میرود. منابع طبیعی خود را در دست گرفته و در آمد آن را برای رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی بکار میگیرد. جمهوری آذربایجان با بسیار از کشورهای جهان روابط دیپلماتیک، روابط اقتصادی و فرهنگی برقرار نموده است. اقتصاد آذربایجان بشکل دینامیک رشد می یابد. و در جهان بحران زده موقعیت اقتصادی در حال رشد را حفظ می نماید. در سیاست خارجی دوستی و همکاری با کشورهای جهان در پیش گرفته است. دوستی و همکاری در سیاست خارجی آذربایجان جای ویژه دارد.

عمده ترین مسئله برای آذربایجان باز پس گرفتن اراضی اشغال شده ای قراباغ است. ۲۰ سال است این اشغال ادامه دارد. دولت ارمنستان با پشتیبانی دولت های بزرگ حاضر نیست از اراضی اشغال شده خارج شود. این دولت تجاوزگر می خواهد اراضی تاریخی آذربایجان را به ارمنستان ضمیمه نماید. بدین شکل تمامیت اراضی آذربایجان را زیر پا به گذارد. اما مردم آذربایجان با نیروی عظیم نظامی و اقتصادی نخواهد گذاشت ارمنستان به هدف پلید خود دست یابد. پیروزی نهایی با مردم آذربایجان است.

## بعد از تونس...

میان مردم و طبقات حاکمه ادامه دارد. این مبارزه به کجا خواهد انجامید معلوم نیست. دو راه در پیش وجود دارد. ۱- با تغییر رژیم سیاسی همه کارها پایان خواهد یافت. ۲- با تغییر رژیم سیاسی تحولات اجتماعی آغاز خواهد شد.

این مبارزه میان مردم ستم دیده و طبقات حاکمه است. بعبارت دیگر فقر و ثروت در برابر هم قرار گرفته اند. مردم میخواهد زندگی انسانی بر قرار گردد. ثروتمندان زیر بار خواسته های مردم نمی میروند و حاضر نیستند ثروت کشور بشکل عادلانه تقسیم گردد. بدین جهت است که مردم از خیابانها بیرون نمیروند و خواستار تقسیم عادلانه ثروت هستند.

پشت سر قیام مردم تونس مردم الجزایر نیز به مبارزه برخاستند. خواستهای آنها نیز با حل مشکلات زندگی ارتباط مستقیم دارد. مردم الجزایر سالهای طولانی با استعمارگران فرانسه مبارزه کردند. آنها در این مبارزه پیروز شدند و استعمارگران فرانسه را از کشور بیرون راندند. و از این طریق استقلال ملی خود را بدست آوردند. دولت بر آمده از مبارزه مسلحانه با اردوگاه سوسیالیزم روابط تنگ- تنگ بر قرار نمود. از اتحاد شوروی کمک های نظامی و اقتصادی فراوان در یافت کرد. سالها گذشت، اتحاد شوروی از بین رفت، حکومت نظامیان تغییر ماهیت داد، رشد اقتصادی پائین آمد وضع زندگی مردم بدتر گردید. در انتخابات شهرداریها

ادامه در ص ۱۱

خیزش مردم سراسر خاورمیانه را فرا گرفته است. این خیزش نه تنها علیه دیکتاتورها است. بلکه علیه بیکاریها، گرانیها، فقر و مسکنت است. مردم کشورهای عربی خاورمیانه بعد از سکوت طولانی با صدای بلند به میدان مبارزه پا نهادند. قیام مردم تونس قیام خود به خودی است هیچ حزب و یا شخصیت سرشناس آن را راهنمایی نمی کند. خود سوزی یک جوان تحصیل کرده، جوانی که در هیچ جا کار پیدا نمی کرد و مجبور شد خود را در آتش به سوزاند، عامل تکانهنده این خیزش شد. مردم به خیابانها آمدند. خواستار لغو بیکاری و پائین آوردن قیمت های مواد اولیه زندگی شدند. بن علی رئیس جمهوری تونس نتوانست اعتراضات مردم را سرکوب کند و در کشور آرامش بر قرار نماید. و با ترس و واهمه دست خانواده خود را گرفت و به عربستان سعودی فرار کرد. و در آنجا پناهنده شد. نیروهای محافظه کار با استفاده از فرار رئیس جمهور، حکومتی موقت تشکیل دادند. و اکثر وزرای این حکومت را طرفداران بن علی تشکیل میدهند. بدین ترتیب قیام مردم تونس بی نتیجه ماند. بدین سبب مردم خیابانها را ترک نکردند. و علیه حکومت جدید به مبارزه پرداختند. طبقه حاکم با بیرون راندن رئیس جمهور همه کارها را پایان یافته تلقی نمودند. مردم بر عکس بیرون رفتن رئیس جمهور را آغاز تغییرات اجتماعی دانستند. اکنون مبارزه

## بعد از تونس...

اسلامیها پیروز شدند. اما دولت این پیروزی را نپذیرفت و دست به سرکوب کردن مخالفین زد. سالها ترور و ضد ترور سراسر الجزایر را به کام خود کشید. اکنون مردم الجزایر با گرفتن الهام از قیام مردم تونس دست به اعتراض زدند. خواستهای مردم الجزایر با خواستهای مردم تونس هم گون است. پایان دادن به بیکاری، جلوگیری از بالا رفتن قیمت ها شعار عمده اعتراض کنندگان است.

مردم یمن نیز علیه حکومت موجود دست به تظاهرات زدند. خیابانهای شهر صنعا پر از تظاهر کنندگان است. آنها نیز علیه فقر و گرسنگی مبارزه میکند. یمن چند سال است با درگیری مذهبی روبرو است. شعیه یان زهدی سلاح در دست علیه حکومت مرکزی مبارزه میکنند. این مبارزه سالهاست ادامه دارد. تظاهرات مردم تکمیل کننده این مبارزه است. آیا دولت یمن خواهد توانست در جنگ گرم و سرد پیروز شود؟ اردن و مصر نیز آستان حوادث هم چون تونس و الجزایر است. زندگی در این کشورها نیز قابل تحمل نیست. فقر مسکنت گریبان گیری مردم این دو کشور است. در این دو کشور نیز مانند همه کشورهای عربی قدرت در دست طبقه حاکم است که از طریق اعمال دیکتاتوری کشور را اداره میکنند. بعبارت دیگر از ثروت ثروتمندان پاسداری می نمایند. و با

استثماری میلیونها انسان ثروتی را که بدست آورده اند نمیخواهند از دست بدهند.

بحران سرمایه داری سراسر جهان را فرا گرفته است. در اروپای غربی بیکاری بحد بالای خود رسیده است. حکومتهای سرمایه داری میخواهند. این بحران را به حساب استثمار بیشتر کارگران از میان بر دارند. در یونان، پرتغال، اسپانیا و فرانسه تدابیر سخت اقتصادی را انجام میدهند. تا بحران را پشت سر بگذارند. این تدابیر با پائین آوردن بودجه دولت و از این طریق پائین آوردن حقوق کارگران و کارمندان با کم کردن حق بازی شکستگی و با بالا بردن سن باز نشستگان بعبارت دیگر با پائین آوردن سطح زندگی مردم از این بحران نجات یابد.

اعتراضات مردم در کشورهای عربی دنبال مبارزاتی است که در اروپا آغاز شده است. بدین طریق ضد سرمایه داری جنبه جهانی به خود گرفته است. این مبارزه در اروپا جنبه اقتصادی دارد در کشورهای خاورمیانه جنبه اقتصادی و سیاسی دارد در کشورهای عربی مردم نه تنها با فقر روبرو است. بلکه از فشار دیکتاتوری نیز رنج میبرند.

قرن ۲۱ قرن مبارزه سیاسی و اقتصادی علیه سرمایه داری در جهان، علیه دیکتاتوری در جهان سوم است. این مبارزه پایان ناپذیر با پیروزی نظام نوین پایان خواهد یافت.

## روسیه بعد از شوروی

روسیه کشوری است کثیرالممله. در این کشور ملل و اقوام گوناگون سکونت دارند. اراضی روسیه یک ششم خشکی کره زمین است بعد از جدا شدن جمهوریهای ۱۵ گانه از روسیه در حدود ۱۷ میلیون غیر روس در ترکیب روسیه باقی ماند همه این اقوام بویژه ساکنین قفقاز شمالی میخواستند از روسیه جدا شوند و دولت مستقل خود را تشکیل دهند. این مبارزه در قفقاز شمالی شکل مسلحانه به خود گرفته و ۲۰ سالست ادامه دارد. این مبارزه بلافاصله بعد از فروپاشی اتحاد شوروی آغاز گردید. چین ها دولت مستقل خود را تشکیل دادند. بقیه اقوام به شکلی از اشکال خواهان استقلال شدند. اما دولت روسیه از شناسائی استقلال کشورهای این منطقه امتناع کرد، علیه مردم استقلال طلب دست به عملیات نظامی زد، دولت مستقل چین را سرکوب نمود رهبران این دولت را نابود کرد.

مبارزه ضد روسیه سابقه تاریخی دارد. پیدایش امپراطوری روسیه با سیاست توسعه طلبی این کشور ارتباط مستقیم دارد. پتراول اراضی روسیه را تا دریای بالتیک توسعه داد و پایتخت روسیه را روی با تلاقهای رودخانه «نوا» احداث نمود بدین ترتیب موقعیت خود را در این منطقه تثبیت نمود. وارثین پتراول سیاست توسعه طلبی را در شرق ادامه دادند. با اشغال کریمه به دریای سیاه و با اشغال شرق دور به اقیانوس آرام راه یافتند و با ضمیمه کردن

قفقاز و آسیا مرکزی خود را به اقیانوس هند و آبهای خلیج فارس نزدیک کرد.

روسیه برای گسترش اراضی خود ۲۰ سال با سوئد جنگ کرد. اشغال قفقاز نیز با جنگ طولانی عملی شد. این جنگ در قفقاز شمالی به جنگ گریز تبدیل گردید تا سالهای پنجاه قرن ۱۹ ادامه یافت. «پیروزی» روسیه در جنگ در قفقاز جنوبی نیز به آسانی بدست نیامد مردم مسلمان نشین قفقاز (آذربایجان) ۹ سال در برابر تهاجم ارتش روسیه مقاومت کرد و متحمل تلفات (۶۰ هزار) عظیم شد. با تحکیم قدرت امپراطوری در مناطق اشغالی کار به پایان نمی رسید. جنگ ستیز مذهبی را دامن می زدند. در آذربایجان جنگ ارمنی مسلمان راه انداختند. هزاران مسلمان قربانی این درگیری ها شدند. مردم آذربایجان ۳ بار (۱۹۰۵، ۱۹۱۸، ۱۹۸۷) باین درگیری کشانده شد.

اکنون ۲۰٪ اراضی آذربایجان تحت اشغال ارتش ارمنستان است ۳ کشور بزرگ از جمله روسیه «میکوشند» از طریق گفت و شنود این مناقشه را حل نمایند. اما هیچ یک از این کشورها حاضر نیستند به دولت اشغالگر برای تخلیه اراضی اشغالی فشار بیاورند. آمریکا و فرانسه عملاً از ارمنستان جانبداری میکنند باین «دلیل» که لابی با نفوذ ارمنی روی دولتهای این دو کشور تأثیر مؤثری دارند. روسیه نیز به ارمنستان فشار نمی آورد. برای اینکه ارمنستان

ادامه در ص ۱۳

## روسیه بعد از شوروی

یگانه دولتی در قفقاز است که با روسیه «همکاری» استراتژیک دارد. با این همه زیرپای روسیه در قفقاز لرزان است. زیرا این کشور قسمتی از اراضی تاریخی گرجستان را توسل به عملیات نظامی اشغال کرده است. سیاستی که مورد تقبیح همه کشورهای جهان قرار گرفته است ثانیاً روسیه «به جهنمی» مبدل شده است که خود در آن دست و پا می زند. این درگیری از چارچوب «تروریسم» و کونتر تروریسم خارج شده به یک پروبلم لاینحل سراسری تبدیل شده است. ناسیونالیستهای روسیه با سر دادن شعار روسیه برای روسها است عملاً روی سیاست همکاری و همیاری میان ملتها و خلقهای مقیم روسیه خط بطلان می کشند. درگیری میان روسها و غیر روسهای قفقاز نشان میدهد تضاد میان اقوام و ملتهای روسیه حل شدنی نیست.

ناسیونالیستهای قفقاز نیز در مقابل ناسیونالیستهای روسیه شعار قفقاز برای قفقازی ها را مطرح می کنند. بدین ترتیب جنگ گرم و جنگ روانی سراسر روسیه را فرا گرفته است.

استقلال خلقهای غیر روس یگانه راه پایان دادن به این جنگ است. اما روس ها هرگز این راه حل را قبول نخواهند کرد. بدین سبب قبول نخواهند کرد که جدا شدن قفقاز شمالی راه ورود روسیه به دریای سیاه قطع خواهد شد و این از لحاظ استراتژیک روسیه را در انزوا قرار خواهد داد. باین علت قبول نخواهد کرد که

روسیه به سرحدات ۳۰۰ سال قبل باز خواهد گشت و این بمعنی «مرگ» روسیه است. درگیری «میان» ملت حاکم و ملت تحت ستم با سیستم اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. روسیه تزاری زندان ملتها بود. ملتهای «غیر روس از حق تعیین سرنوشت محروم بودند. در این مناطق محرومیت گریبان گیر این ملتها بود. در این مناطق از آبادی و رشد اقتصادی خبری نبود اختلاف میان ملت ها دامن زده میشد. مأمورین تزار از اصل «تقسیم کن حکمروائی نما پیروی میکردند.

بعد از برقراری حکومت مردمی جنگ و ستیز میان ملتهای مختلف پایان یافت، روابط همبستگی و همیاری مستحکم گردید بر مبنای همین دوستی بود که رشد اقتصادی و فرهنگی سرعت گرفت روسیه به یک کشور رشد یافته جهان تبدیل گردید اما بعد از آنکه بقول معروف ماهی از سرگندید و این کشور بزرگ از هم متلاشی گردید و در ردیف کشورهای جهان سومی قرار گرفت. مشکل اقتصادی، فرهنگی و مشکل اختلافات قومی این کشور را فرا گرفت مشکلی که نه تنها قابل حل نیست بلکه به یک درگیری دائمی تبدیل شده است.

۱۹۴۵ - جی ایلین اوکٹیابر آییندا تبریز شہرینده یارادیلیمیش «نوللار» آدلی

فدائی پارتیزان دسته سینین یارادیلیماسی حقیقده ژنرال جعفر کاویانین قیدلری

۳۱- اسمایل قدیری، ۳۲- رحیم عمرانی، ۳۳-

کاظیم شبستری، ۳۴- آسلان پھویلی و سایره.

۱۹۴۵ - جی ایلین اوکٹیابر آییندا یارانان

همین «نوللار» دسته سینین یاراتماقدا مقصد بو

آیلاردا اساسی سارسیلیمیش حکومتین پلیس و

ژاندارمین ایشلرینه و اونلارین عکس فعالیتلرینه

دقت یتیرمک معین معلوماتی بیزه یتیرمکدن

عبارت ایدی. همین دسته نین ئوزونون انقلابی

قرارگاهی وار ایدی. بو قرارگاه ستارخان

خیابانیندا سینمانین (کینوتاتر) قارشیسیندا یرلشن

لیموناد زاوودونون استونده ایکینجی مرتبه ده

فریدون ابراهیمینین کرایه توتدوغو ائو ایدی.

همین دسته عضولری قرارگاهدا نوبه چکیر و

معین معلوماتلار توپلایبیردیلار. قید ائتمه لیم که،

فدائی دسته لرینین یارانماسیندا ئوزک

آدلاندریدیغیم «نوللار» دسته سی بویوک بیر

فعالیت گوسترمیه باشلایب و گوندن - گونه

دسته ده اشتراک ایدنلرین سایه آرتماغا باشلادی.

بو آیلار ارزینده یوخاریدا گوستردیم کیمی،

جکومت اورقانلاری و ژاندارم سون نفسلرینی

آلیردیلار.

اونلار حس ایدیردیلر که، آرتیق

آذربایجاندا و اونون شهر و رایونلاریندا انقلاب

مشعلی گوجلنیر، آرتیق آذربایجان خلقی ئوز

ادامه در ص ۱۵

آذربایجان دموکرات فرقه سی آذربایجاندا

فدائی، پارتیزان، سلاحلار و سلاحلار و سلاح ائتمک

مسئله لرینی منه حواله ایتیمیشدیر.

۱۹۴۵ - جی ایل اوکٹیابرین

اورتالاریندا ۴۰ نفردن عبارت فدائی دسته سی

یاراندی. اونلارین چوخو جوانلاردان عبارت

ایدی. فدائی دسته سینین گیزی آدی «نوللار»

ایدی. همین پاروللا دسته عضولری بیر-بیرلرینی

باشا دوشوب معین عملیاتلار حیاتا کئچیریردیلر.

همین فدائی دسته سینین عضولریندن یادیمدا

قالان یولداشلارین آدلارینی دئمک ایسته بیرم.

۱- صادق (دادار) آدرسینا، ۲- حسین

جدی، ۳- علی ابلوج، ۴- اسمایل جعفرپور، ۵-

علی خان افنخاری، ۶- نبی افتخاری، ۷- بویوک

آقا تجدیلی، ۸- اسی شاهبازی، ۹- کاویان

کاوه، ۱۰- نریمان آدرسینا، ۱۱- اسمایل

پیشنمازی، ۱۲- میرعلی منافی، ۱۳- ذبیح الله

شریفی، ۱۴- ابوالفضل تاریخ آذر، ۱۵- ابوالفضلی

هاشمی، ۱۶- محمد علی زریفشان، ۱۷- محمد

باقر بشکول، ۱۸- قوربان ترقی، ۱۹- حسین

قوربان علی زاده، ۲۰- عادیل آبیلیان، ۲۱-

مصیب، ۲۲- مهدی خدیور، ۲۳- شاه محمد، ۲۴-

محمد وکیلی، ۲۵- اژدر بالداری، ۲۶- ملیک

ملیکفام، ۲۷- بویوک آقا عابدینی، ۲۸- احمد

وکیلی، ۲۹- قربان جاوید، ۳۰- علی قهرمانی،

اونون تسلیم اولماسی ملی حکومتین یارانماسینا تکان  
ویردی.

۱۹۴۵ – جی ایلین اوکتیابر...

آزادلیغینی اله آلماق ایچون بوتون جانفشانلیقلا  
چالیشیر و دورون هیچ بیر چتینلیکلریندن قورخوب  
چکینمیر.

بئله بیر زماندا آذربایجانین کند و رایونلاریندا  
آذربایجان دموکرات پارتیاسینین گوجونو گورن و  
ئوزلرینین آرخاسیندا بویوک بیر قوه یه آرخالانان  
زحمتکشلر و کندلیلر اونلارا ظلم و ایشگنجه توره  
دن ژاندارم لارا قارشی مردلیکله مقاومت گوسترن و  
اونلار ایله اوز – اوزه گلن ژاندارم لاری ترکی-  
سلاح ایدرک سلاحلارینی اله کئچیریب ئوزلرینی ده  
رایون و کندلریندن قووردولار. بئله لیکله، بوتون  
شهر، کند رایونلاردا کلی مقداردا سلاح  
زحمتکشلرین، فدائی پارتیزان و کندلیلرین الینه  
کئچکه سینه سبب اولور. همین بو حادثه لری ایزله  
بین و آردیجیل اولاراق ینی ملی حکومتین یارانماسی  
ایله ماراقلانیب گنجه - گوندوز بونون ایچون مبارزه  
آپاران ئوزک «نوللار» فدائی دسته سی بوتون  
معلوماتی توپلاییب دقیقه – دقیقه ئوز قرارگاهلارینا  
معلومات ویریردیلر و بوتون معلوماتلار ئوز یرینده  
تحلیل اولماقلا برابر، آذربایجان دموکرات فرقه  
سینین رهبرلرینه چاتدیریلیردی. بوتون مسئله لر  
یرینده ایکن مذاکره و حل ایدیلیر، معین قرارلارین  
حیاتا کئچیریلیب – کئچیریلمه مه سی مصلحت  
گورولدوکن سونرا ایجرا ایدیلیردی. گله جکده  
آذربایجاندا ۸ مین آدامان عبارت اولان ایران  
اوردوسونون باشچیسی ژنرال دیرخشان مقاومت  
گوسترمه دن ملی حکومته تسلیم اولاراق ئوز  
خواهیشی ایله آذربایجانی ترک ایتمیشدیر. بئله لیکله

محمد بریا

یادگار

خلقینین اوغروندا ایللردن بری  
دویوشدن، ووروشدان دونمه دین گنری  
وطن افتخاری، انلین عسگری  
اوره کلی، هنرلی رشید کاویان  
تاریخین سسینی ائشیت کاویان  
\*\*\*

چوخدور سیاستین مدی مجیری  
ژنراللار ایچینده یوخدور نظیری  
ملی قوشونلارین شانلی وزیر  
عقلی، علمی قوجا کاویان  
چوخ اللردن الی اوجا کاویان  
\*\*\*

آنا یوردوموزون افتخاریسن  
شرفلی، شهرتلی اعتباریسن  
ملی حکومتین یادگار یسن  
دشمنه ویرمه بین آمان کاویان  
بیزی آبیروماسین زمان کاویان  
\*\*\*

اوزاقدان اوزاغا تانیرسان منی  
بریا عمرونده اونوتماز سنی  
یادیندان چیخارما عزیز وطنی  
جعفر ایرادلی، آدلی کاویان  
دوستو، آشنالی، یادلی کاویان

محمد بریادان ئوز تاریخی دوستو، ملی  
قوشونلار وزیر آقای جعفر کاویانا یادگار.  
باکی، ۱۹ اوکتیابر، ۱۹۶۹ ایل.

فرشی نیز که چند ماه پیش بهدلیل فعالیت های فیس بوکی بازداشت شد، از زندان تبریز به این بند منتقل

## گزارش ویژه از بند ۲۰۹ زندان اوین

کلمه - عاطفه امیری: زندانیان بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات این روزها در شرایط سختی به سر می برند و شرایط غیر استاندارد حاکم بر این بند در فصل زمستان شرایط بسیار دشواری را برای زندانیان این بند ایجاد کرده است. این در حالی است که بند زنان مستقر در بازداشتگاه ۲۰۹ شرایط بسیار غیر استانداردتر و سخت تری نیز دارد، به همین دلیل در این گزارش تمرکز بیشتری بر زندانیان زن شده است

بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات که بازداشتگاه موقت این نهاد امنیتی به شمار می رود در دو طبقه واقع شده است. این بازداشتگاه دو بند دارد: بند مردان و زنان. طبقه دوم بند ۲۰۹ نیز یازده راهرو دارد که هر راهرو شامل ۱۰ سلول انفرادی است که در مجموع نزدیک ۱۲۰ سلول را شامل می شود. این بازداشتگاه در بخشی از محوطه زندان اوین قرار دارد. طبقه اول بیشتر محل اسقرار کارمندان و بازجوهای این نهاد است. بارها بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق بشر اعلام کرده اند که وجود چنین بندی با قوانین جمهوری اسلامی نیز تعارض دارد. نمایندگان مجلس ششم به ویژه کمیسیون اصل نود در این مجلس بارها در باره غیرقانونی بودن این بند هشدار دادند، هشدار می که هرگز مورد توجه واقع نشد. فضای فوق امنیتی حاکم بر این بند شرایط دشواری را برای زندانیان مستقر در آن به وجود آورده است و زندانیان اینجا، تنها در سلول های خود حق دارند بدون چشم بند به سر ببرند. زندانیان این بند حتی مجبورند برای رفتن به دستشویی و یا بهداری نیز از چشم بند استفاده کنند. فضای فوق العاده امنیتی این بند موجب شده که از تعداد دقیق زندانیان این بند بی اطلاع باشیم. اما تقریباً همه زندانیان سیاسی تجربه حضور در این بند را دارند و حداقل چند ماهی از عمرشان را در سلولهای این بند گذرانده اند تا سپس به بندهای عمومی منتقل شده یا به قید وثیقه از این بازداشتگاه به طور موقت و تا زمان برگزاری دادگاه شان آزاد شده اند. زندانیان حوادث پس از انتخابات همگی تجربه حضور در این سلولها را داشته اند. اما اکنون در بند زنان ۲۰۹ نسرين ستوده وکیل دادگستری، نازنین خسروانی روزنامه نگار، ساجده کیانوش راد فعال سیاسی، زهرا حاتمی معلم زندانی، فرزانه روستایی روزنامه نگار، نگهداری می شوند. هانیه

زندانیان سیاسی این بند مجبورند بر کفپوش سرد سلول روزهایشان را به شب بپوشانند. در سایر بندهای زندان اوین در هر فصل سال خانواده ها لباسهایی را برای زندانیان می برند و مسئولان آن را به زندانیان تحویل می دهند اما مسئولان ۲۰۹ خود با در اختیار قرار دادن لباسهای زندان که مناسب نیستند از پذیرفتن لباس بیشتر از خانوادهها خودداری می کنند.

شده است. منابع کلمه، از زندانی بودن دختر جوان دیگری با نام لادن مستوفی در بند زنان ۲۰۹ خبر می دهند.

همچنین منابع خبری سایت کلمه در زندان اوین، از وجود تعداد دیگری از زندانیان زن در این بند خبر می دهند. زنی به نام نشاط و دو خواهر به نام های اعظم و حمیده قهرمانی و تعدادی دیگر از زنان که به جرم مسیحی بودن دستگیر شده اند، اکنون در این بند نگهداری می شوند. این منابع همچنین خبر می دهند که ریحانه طباطبایی، دیگر روزنامه نگار زندانی در بند ۲ الف سپاه نگهداری می شود. در بند مردان بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات شخصی به نام "سید حسن جلالی" که گفته می شود از نیروهای قدیمی وزارت اطلاعات در زمان خاتمی بوده سالهاست که در این بند امنیتی نگهداری می شود. او دو سال را در سلول های انفرادی این بند گذرانده است و برای رهایی از این وضع در دوران انفرادی خود بارها دست به خودکشی زده بود. بازجوهای وزارت اطلاعات بدون مجوز قاضی تا هر وقت که بخواهند زندانیان خود را در انفرادی نگه می دارند و جلالی تنها یکی از افرادی است که بعد از دو سال به سر بردن در انفرادی، آن هم بدون هیچ گونه ملاقات با خانواده اش، اخبار کمی از او به بیرون درز کرد. وی پس از چهار سال، همچنان در



گزارش ویژه از بند ۲۰۹ زندان اوین

این بند امنیتی به سر می برد. احتمال اینکه زندانیان دیگری نیز در این بند باشند که بعد از سالها خبری از آنها به بیرون منتقل نشده باشد، زیاد است. **دوبار ملاقات در ماه، فضای فوق امنیتی و سلول های انفرادی**

زندانیان بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات تنها بعد از پایان بازجویی ها و با اجازه بازجوی پرونده شان می توانند با خانواده هایشان دیدار کنند. در این زمان هم آنها تنها دو بار در ماه اجازه دارند با خانواده ملاقات کنند. این در حالی است که در سایر بندهای زندان اوین زندانیان حق ملاقات هفتگی با خانواده هایشان را دارند.

در این بند بازجوهای وزارت اطلاعات هستند که فرماندهی می کنند، آنها می توانند به زندانی ملاقات بدهند یا ندهند! می توانند او را از حق استفاده از تلفن محروم کنند یا نکنند! این بازجویان تا جایی قدرت دارند که وقتی خانواده ها از قاضی پرونده و یا حتی دادستان تهران برای ملاقات با زندانی شان اجازه می گیرند و نامه کتبی از سوی آنها به ماموران ارایه می دهند، آنها بی اعتنا به این نامه ها از ملاقات زندانی با خانواده اش ممانعت می کنند. این بازجوها قادرند زندانیان را تا مدتها در سلول های انفرادی نور و کوچک بدون استفاده از حق هواخوری نگه دارند و کسی هم نیست که از آنها بیرسد چرا! زندانیان زیادی در این بند زندانی بوده اند که تا روزها و حتی ماه ها در این سلولها نگهداری شده، بدون اینکه از حق هواخوری استفاده کنند.

در ملاقات های دو هفته یک بار خانواده ها با زندانیان نیز همیشه مامورانی حضور دارند که به حرفهای زندانیان و خانواده هایشان گوش می دهند. گاه در زمان ملاقات همراه یک زندانی چند مامور فرستاده می شود تا همه صحبت هایشان را کنترل کند و بنابراین خانواده ها در این ملاقات ها نیز هیچ گونه راحتی را احساس نمی کنند. در ملاقاتهای حضوری که به ندرت به خانواده ها داده می شود نیز ماموری با یک ضبط صوت همه مکالمات خانواده با زندانی را ضبط می کند.

**سلول های سرد و زندانی های بدون لباس گرم**  
سلولهای بند ۲۰۹ که سلولهایی کوچک و دربسته هستند در فصل زمستان بسیار سرد و در فصل تابستان بسیار گرمند. زندانی های این بند در فصل زمستان هم مانند دیگر فصل های سال مجبورند بر

کف زمین بخوابند و هیچ کدام از زندانی ها در این بند تخت ندارد. فعلا فقط زندانی های آمریکایی در این بند تخت دارند. در این فصل سال این سلولها بسیار سردند و بیشتر شوفاژهای سلولها نیز خرابند و زندانبانها نیز به خواسته زندانیان مبنی بر تعمیر آنها توجهی نمی کنند. با همه این مشکلات مسئولان زندان نیز از دادن پتوی بیشتر به زندانیان خودداری می کنند و حتی لباسهای زندانیان را که توسط خانواده هایشان به زندان برده می شود به آنها تحویل نمی دهند.

زندانیان سیاسی این بند مجبورند بر کفپوش سرد سلول روزهایشان را به شب برسانند. در سایر بندهای زندان اوین در هر فصل سال خانواده ها لباسهایی را برای زندانیان می برند و مسئولان آن را به زندانیان تحویل می دهند اما مسئولان ۲۰۹ خود با در اختیار قرار دادن لباسهای زندان که مناسب نیستند از پذیرفتن لباس بیشتر از خانواده ها خودداری می کنند.

مسئولان زندان که چنین فضای نامناسبی را برای یک زندانی در فصل زمستان به وجود آورده اند، حتی از دادن مایعات گرم به میزان لازم نیز به زندانیان خودداری می کنند و چای معمولاً یک بار در روز و گاهی دو بار در روز به زندانیان داده می شود.

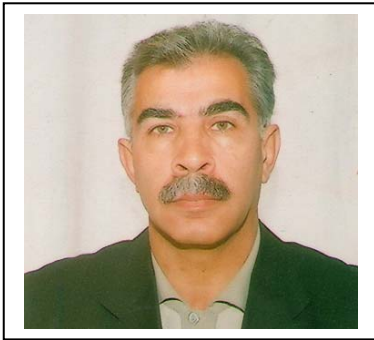
اغلب مقامات جمهوری اسلامی به جز دادستان تهران و برخی مسئولان قوه قضاییه حق بازدید از این بند را ندارند و حتی نمایندگان مجلس نیز که بارها خواسته اند از این سلولها بازدید کنند با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه شده اند. بازجوهای وزارت اطلاعات این بازدیدگاه را قلمرو فرماندهی خود می دانند و کسی را به این راحتی ها به آن راه نمی دهند. شاید همین عدم نظارت موجب شده تا بازجویان وزارت اطلاعات این قلمرو را مناسب تر از هر جای دیگری برای اعمال خلاف قانون خود تلقی کنند. اما آیا این قلمرو همیشه همین قدر محصور در حصارهای امنیتی خواهد ماند و متولیان آن هرگز مورد پرسش افکار عمومی قرار نخواهند گرفت؟

همانگی میان قوه مقننه و اجرائیه دیری نپائید. نا توانی در پاسخ دادن به بحران جاری در کشور، ضدیت میان آنها را تشدید کرد. اکنون مقابله میان این دو رکن نظام حدت زیادی یافته است. بعلاوه بخشی از اصول گرایان بویژه شورای نگهبان بطور آشکار برای اصلاح طلبان خط و نشان می کشند. آنها قصد خود از ممانعت ورود مخالفانشان به مجلس بعدی را پنهان نمی کنند و برای اینکار البته ابزارهای باسطلاح قانونی و امنیتی خود را به رخ می کشند. ترس از دست دادن قدرت، آنها را به واکنش های عصبی و غیر منطقی واداشته است. در مجموع خبرهایی که از گرم خانه حاکمیت به بیرون درز می کند حاکی از پیچیده گی و نا منتظره بودن حوادث پیش رو است. از سوی دیگر مردم کشورمان همچنان خواهان آزادی و عدالت اجتماعی هستند. سالهاست که علیرغم فشارهای اقتصادی و سیاسی و سرکوب عریان، از هر فرصتی برای اعتراض به وضع موجود استفاده کرده اند. تظاهرات میلیونی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ یکبار دیگر نشان داد که مردم ایران با اداره مملکت بشکل خود سرانه موافق نیستند و برای دست یابی به اهداف خود، دست از مبارزه نخواهند کشید. رویدادهای جاری در کشورهای منطقه نیز چندان بسود حاکمان مستبد نیست مردم کشورهای عرب خاورمیانه بالاخره سکوت را شکستند و به خیابانها آمدند. با صدای بلند فریاد می زنند که دیکتاتوری باید برچیده شود. حکومتی سرکار آید که خواسته های آنان گوش فرا داده و آنها را به اجرا در آورد. امواج این توفان بزرگ تونس، الجزایر، یمن، اردن و مصر را فرا گرفته است. دیکتاتور ۲۰ ساله تونس متواری شد. مردم اما به خانه برگشتند. پاکسازی حاکمیت از بقایای رژیم گذشته همچنان در دستور کارشان است. خیزش بزرگ مردم مصر نوید بخش آنچه تحولاتی می تواند باشد که بر کناری حکومت ۳۰ ساله حسنی مبارک تنها آغاز آن است. رستاخیز کم سابقه مردم کشورهای عربی که با شعار نان، کار و آزادی، علیه رژیمهای خود کامه به مبارزه برخاسته اند، البته به مذاق حاکمان زورگو خوش نمی آید، اما عزم مردم کشورمان برای رهایی را جزم تر خواهد کرد. باری در چنین اوضاع و احوالی است که انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی کلید خورده است!

## نهمین دوره انتخابات مجلس شورای

### اسلامی کلید خورد است!

۱۰۴ سال از تشکیل اولین مجلس شورای ملی ایران می گذرد. تشکیل مجلس با الگوی اروپا، نتیجه پیروزی انقلاب مشروطه در ایران قرن ۲۰ است. مشروطه خواهان ایران موفق شدند. در دستگاه دولتی تغییرات مهمی انجام دهند. قدرت مطلق و قرون وسطایی شاه محدود تر شد. در پی در گذشت مظفرالدین شاه، پس از مدتی محمد علی شاه نیز از سلطنت بر کنار گردید. و فرزند او جای پدر را گرفت. سلسله قاجار در تداوم انقلاب مشروطه ساقط گردید. شرایطی بوجود آمد که رضاخان توانست جای قاجاریان را بگیرد. اداره مملکت بار دیگر بدست پادشاهی مستبد افتاد. در نتیجه دولت و مجلس از انجام وظایف قانونی خود باز ماندند. اداره کشور به این شکل تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت. با ورود متفقین به ایران، دیکتاتوری از هم پاشید. آزادیهای دموکراتیک بطور نسبی برقرار گردید. اما این آزادیها نیز دیری نپائید. در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد، قدرت مطلق محمد رضا شاه بر کشور مسلط گردید. این رژیم سیاسی ۲۵ سال ادامه یافت. در تمام این سالها تنها نامی از مجلس شورای ملی باقی مانده بود. انتخابات مجلس در تمام دوره ها صددرصد زیر نظارت شاه قرار داشت. نمایندگان دلخواه در بار به مجلس فرستاده می شدند. سرانجام بی اعتنایی به رأی و خواست مردم کار خود را کرد و در نهایت امر بساط سلطنت برچیده شد. حکومت بر خاسته از انقلاب قدرت را در دست گرفت. شور انقلابی مردم، حکومت جدید را واداشت تا برخی از خواسته های مطرح شده را اجرا کند. انتخابات مجلس اول بعد از انقلاب به تمام معنا دموکراتیک بود. همه شخصیت ها و احزاب صرف نظر از موقعیت سیاسی خود در انتخابات شرکت کردند. از آن تاریخ تقریباً ۳۰ سال می گذرد. در این مدت هرچند مجلس شورای اسلامی به وضعیت بی خاصیت و تحقیرآمیز مشابه خود، در دوران شاه سقوط نکرد، اما بی تأثیر از توازن قوای سیاسی نیز نبود. ششمین دوره مجلس از این نظر نمونه وار است. در این دوره مجلس با شورای محافظه کار نگهبان در تقابل قرار گرفت. در طی چهار سال فعالیت، با این ارگان انتصابی درگیر شد. این درگیری از آن جهت رخ داد که اکثریت مجلس در دست اصلاح طلبان بود. با پایان یافتن دوره ششم مجلس و انتخابات بعدی (مجلس و ریاست جمهوری) تناسب قوا عوض شد و موقعیت محافظه کاران که اینک خود را اصول گرا می نامیند، تقویت شد. صف بندی و آرایش سیاسی در دستگاه دولتی تغییر پیدا کرد. مجلس و دولت کاملاً در اختیار اصول گرایان قرار گرفت. با اینهمه



کیمی دبیردی: ایرانلیلار بو گون ۵۰ ایل بوندان اولکیندن داها سوادلی، داها سیویلیر، زحمتکش خلق آنجاق رئال دموکراتیایا محتاجدیر. مادی نعمتله بوللوغو، گوجلو صنایع، یوکسک تحصیل، قاباقجیل مدنیت و عالی معنویاتلا دنیا مقیاسیندا انکشاف ایدرک قاباقجیل نولکه یه چوریله جک ایران ایچون ملتین حقوقلاری انسانلارین حریتی چوخ واجبدیر. نولکه داخلینده ملتین نوزونو اداره ایتمه حقوقلارینی، سوز، دیل، دین آزادلیغی ایران دموکراتیاسینین ینی ستراتژی کورسونداکی ثابتلین تامیناتچیسیدیر. ۱۹۴۶- جی ایلدن بری آذربایجان رسپوبلیکاسیندا یاشاییب یارادان آذربایجان دموکرات فرقه سینین عضولری و ایرانلی مهاجرلر، او جمله دن ۲۱ آذر انقلاب اشتراکچیلاری آراسیندا کفایت قدر سوادلی، تجربه لی نظریه چی عالمر، تاریخچیلر یتیشسه ده ایراندا بوتون تاریخی دورلرده باش ویرن انقلابی پروسسولرین حقیقده قازاندیغی زنگین سیاسی بیلگیلر سانکی علی یه مالک اولدوغو قان یاداشیلا ویریلیمیشدی. تصادفی دییل. آدف- نین مرکزی ارگانی اولان «آذربایجان» قزنتی علی نین یوکسک انتلکتی و دنیا گوروشو سایه سینده دنیا آذربایجانلیلارینین اوپرتیف سرعتله باش ویرن حادثه لرین دقیق شرح و آنالیزی اله ائتمک ایچون معلومات توپلادیقلاری بیر نشره چوریلیمیشدی. سیاست عالمینی و ایرانشناسلیغی بنله دریندن بیلمه سی، گوندلیک مطالعه سی بو قزنتی اونون

ادامه در ص ۲۰

### آزادلیق افقترینده بیر مشعل سوندو.

او، نه بابک، جاوانشیر، ستارخان، خیابانی نه ده باقرخان ایدی.

دنیا نی آنلاماغا باشلادیغی بیر آندان بو ملت قهرمانلارینین شوجاعت و قیرتیندن گوج آلان بویوک اوره کلی ساده بیر آذربایجانلی بالاسییدی. نوز عمره ده آتا باباسینین تضیق و محرومیتلرله دولو، قیسا حیاتی کیمی ایران خلقلارینین ملی آزادلیق حرکاتینا حصر اولونموش، ملتین خوش گلجه یی اوغروندا گیدن مبارزه لرده طالع یازیمی گاه توفانلارا، گاه دا بورولغانلارا تاپشیریلیمیش، گوزرانی ایسه دایم حیاتین آغیر ضربه لرینه توش گلمیشدی. اونو یاخیندان تانیانلار ایچون علی سلیمان اوغلو دانشیان ایران خلقلارینین ملی آزادلیق آرزولارینین ترنمچوسو، بوتوو بیر خلقی قانلی استبداد منگنه سیندن قورتارا بیله جک سیاسی قوه، آزاد و دموکراتیک ایرانین حقیقت رمزی ایدی. او، مالک اولدوغو ضعیف وجودوندا پولیسیست، شاعر، ترجمان، ایران تاریخینین تدقیقاتچیسی، بیولوگ، آنالیتیک-سیاستچی و ان اساسی پشه کار انقلابچی دیوخلارینی گزدیریپ بو ساحه لری سینه سینده، اولو - آلولو اوره گینده بیر آریا گتیریردی. علی ینیتمه لیبندن ایده یا مبارزه سینین جبهه لرینه آتیلیب، پیشه وری، ارانی، روزه کیمی انقلاب جنگاورلریندن الهاملاناراق ایتی دوشونن بینینی اجتماعی تفکور، ملی فلسفه و عموم ایران آزادخواهلیق دوشونجه لری ایله یوکسلمیشدی. سسی ساکت و حلیم اولسا دا، سوزلری ایله آغزیندان آلو پوسکورن وولکانا، حرارتلی بیر تریبونا بنزیریدی. آوازی «مرع- سحر» ده صدالانان آزادلیق نغمه سی ایدی. خلقین گلجه یه آپاران گمینین گنج کاپیتانی ایتی گوزلریله استقلال افقترینی آراییر، ایرانی نورلاندیراجاق مایاکی آختاریردی. تجربلی سیاستچی

## آزادلیق افق‌رینده بیر مشعل سوندو.

انقلابچی استعدادینین یازیلی تخییولونه چئوریلیمیشدی. آدف صدری امیرعلی لاهرودی اونون اطرافینا توپلاشیب، بیللیک و تجربه سیندن فایدالانان گنج‌لر آراسیندا دیئرینه گوره علی نین هیچ بیر معیارا اولچولمه ین شخصیت کیمی قیمت‌لندیردی. علی ۲۱ آذر انقلابینین ضیاسیندان، پیشه وری ایدیالاریندان دوغولان بیر معجزه ایدی. او، سون ۲۰-۲۵ ایله عزم کارلیغی پرسیپالیغی، زحمت‌سئورلی، سوزونون بوتولویو، دوستلارا صداقت، فنومال یادداشی، ایران تاریخینده باش ویرن حادثه لری دقیق خرونولوگیاسینا قدر بیلمه سیله، ساده جه اولاراق آقای لاهرودینین ساغ الی ایدی. تحصیل آدیغی ایلمرده او، بوتون مزیتلری ایله معلم لرینین دقتینی چکیردی. آنا و باباسینین انقلابی فعالیتینی بیئلر ایسه اونولا الکتریک جریان ایله داوراندیق‌لاری کیمی احتیاط‌لار دولاندیلار. ساواکین دایم نظر اتینده اولان علی گنج‌لیک حوسی آکتیو حیات طرز، ساف دوشونجه، پاک عقیده، سویوق بین و حرارتلی اوره کله، گوجلو حسیات‌لار بو تدبیرلره دوزسه ده، حیاتین فیرتیناسی اونو چوخ سئودی، دوغما آذربایجان رسپوبلیکاسینا گلمه یه سوق ایتدی. ۲۶ ایلیک مهاجرت حیاتیندا قاراباغ فاجعه لریندن دوغان آغریسی، آجیسی دا اونون اوره گینده یر آلدی. سونونجو مجادله لر، ایراندا سچکی خاوسو، حاکمینده کی اداره چیلیک بوشلوغو، هرج مرجلیک، سونو گورونمه ین گرگین وضعیت، کوتلوی حبسلر، قتلر، چوخ‌الماقدا اولان وطنداش قارشی دورمالارلا، علاقه دار شرحلر علینین «آذربایجان» قزنتینده کی دولغون مقاله لرینده اطرافلی یر آدیغی کیمی، اونو ئوز اوره گینین ایچیندن ده اووردو. ملی معنویاتیمیزدان سوزولوب گلن عقیده سی ایله سیاسی دنیا گوروشونون وحدتینده علی نین کامللی آچیق آشکار گورونوردو. ۲۱ آذر عسگری اولان علی نین ائله ۲۱ آذرین ۶۵- جی ایلدونومونه حصر اولونان مجلسده حالی پیسلشدی. ۱ هفته اونجه انفارکت گنجیرن بو انقلاب

باهادورونون مجلسه گلمه ینه دوستلاری تکیده مانع اولسالار دا او، بویوک بایرامی ایله یا یوکوملری ایله بیر آرادا گنجیرمه یه قرار ویرمیشدی. ائوه آپاریلارکن ائله ماشیندا حیاتلا ویدالاشدی. وجودو منزله یول آلسا دا، اوره گی سینه سیندن قوپوب مجلسده قالمیشدی، دانکونون چیخاریلیمیش اوره گی کیمی ایشیق شاپچیردی. نه شاه، نه ده هیچ بیر استبداد رژیم، امپریا ماشینی ئوز تانک لاری، توپ لاری، راکتلی ایله آذربایجانلیلارین آزادلیغا گئدن یولونو کسمک قدر تینده دئیل. آزادلیق مبارزه سینده سارسیلماز ایراده ایله آدیملایان ایرانلیلاری عصرلر بویو حسرتینده اولدوغو ان شیرین نعمتدن محروم ایتمک ممکن دئییل. سن اوره کلرده یادداشلاردا یاشایاجاقسان، علی آدین ۲۱ آذر شهیدلرینین فخری سیاحیسینده قالاچاقدیر. آذربایجان خلقی عصرلر بویو آزادلیق آرزوسو ایله یاشامیش. ملی آزادلیق و استقلال اوغروندا دونمه دن مبارزه آپارمیشدیر، شاه اصول اداره سی اسارتی آلتیندا اولارکن آزادلیق ایله یالاری ایله یاشایان آذریلرین تفکر صاحب لری، قاباقچیل سیاسی خادم لری، یازیچی و شاعرلری اینجه صعنت نماینده لری، سیاستچی لیدرلری دموکراتیک فکرین اوندرلری ملی آزادلیق حرکاتینا هوس یاراتمیش، آمانسیر سیاسی رژیملرده یاشامالاریندان آسیلی اولمایاراق، ایران خلقلرینین دیگر زحمتکشلری ایله بیرلیکده آزادلیقا جان آتمیشلار. بو گون ده ایراندا رهبرلین چاش- باش هوسکارلاری و خلق علیه یونه لن تله سیک قرارلاری نتیجه سینده ناحاق قانلار توکولور، وضعیت آجیناچاقلاشیر ئولکه عطالته سوروکلنیر. مینرله انسان حبس خانالارا آتیلیب، اولونماز ایشگنجه لره معروض قالیرلار. وطنینه تاریخی انتباه دورو بخش ایتمک، زندانلارین قاپیسینی آچماق، ظلمتی آزادلیق گونه شینین آل شفقی ایله بوغماق ایسته ین بیر اوغول تانیبردیم علی دانشیان.

حسن آهنگی

## توضیحی مختصر در باره ویراستاری کتاب

« استالین و مسائل معاصر ».

و تألیف نام گذاری کرد و بنام باصطلاح اعضا و هوداران فرقه دمکرات آذربایجان منتشر کرده است، امری است که من از چرائی و چگونگی آن خبری ندارم.

از طرف نشریه آذربایجان به مناسبت ۶۵- مین سالگرد تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان ایران و تشکیل حکومت ملی آذربایجان، مصاحبه ای با رفیق لاهرودی صدر فرقه دمکرات آذربایجان ترتیب گرفته است. در اعتراض به برخی از مطالب مطرح شده در این مصاحبه از جانب جمعی که خود را اعضاء و هوداران فرقه دمکرات آذربایجان نامیده اند، پاسخی منتشر شده است. هم در مصاحبه رفیق لاهرودی و هم در اعتراض نامه، به چگونگی انتشار کتاب استالین و مسائل معاصر، اشاره ای رفته است.

حسن بابایی 1389/10/29

نگارندگان این شکوائیه ضمن بر شمردن خدمات خود انتشار کتاب مذکور را بشکل تعجب بر انگیز و نادرست همکاری باصطلاح شکوهمند وابستگان چهار جریان سیاسی اعلام کرده اند.

برای رفع هر گونه شبه و سوء تعبیری که این نوشته چنین القا میکند، ضروری است توضیح هر چند مختصری را در باره این ماجرا به اطلاع برسانم.

بمناسبت سال استالین، گنادی زوگائف رهبر حزب کمونیست فدراتیو روسیه کتابی بنام استالین و مسائل معاصر تألیف کرده است. آقای م. ا. شیزلی تصمیم گرفت این اثر ارزشمند را به فارسی بر گرداند. بمنظور تسریع در چاپ آن از من خواست تا غلط گیری کتاب را بر عهده بگیرم. پذیرش انجام اینکار نه بعنوان نماینده یک جریان سیاسی بلکه امری شخصی و دوستانه بود. تا جائیکه حتی راضی نبودم از من بعنوان ویراستار نامی برده شود. اما مترجم با این توضیح شما هم برای کتاب زحمت کشیده اید. با ارسال بخش بخش آن به سایت های مختلف آترابه نشر سپرد و نام مرا بعنوان ویراستار ذیل نام خود ذکر کرد. همین.

اینکه بعدها مترجم محترم بنا بر ملاحظات دیگری، نوشته هایی چند از خود را بر کتاب افزوده و کتاب را ترجمه

## منه بیر میدان وئرین

منه بیر میدان وئرین  
وارسیمله باغیریم،  
مباریز اوغوللاری  
حار اییمله چاغیریم.  
منه بیر میدان وئرین  
خلقین دردی- سرنی  
بیر- بیر سیزه دانیشیم،  
بو دردله قاریشیم.  
منه بیر میدان وئرین  
دییم نه دیر حقیقت،  
دییم خوشبخت لیک نه دیر.  
نه دیر هونر سعادت.  
منه بیر میدان وئرین  
بیر - بیر سیزه گوستریم  
خائین لرین صورتین،  
اونلارین خیانتی .  
منه بیر میدان وئرین  
آزادلیق نغمه سینی  
یاییم بوتون عالمه،  
اونون بیر زره سینی  
گتیریم نوز نولکه مه.  
منه بیر میدان وئرین  
بوروسون بو نولکه نی  
منیم سسیم، حار اییم  
دشمن لرین کوسونه  
قیلینجیمی ساپدیریم  
منه بیر میدان وئرین،  
منه بیر میدان وئرین.  
عارف صفا

محسون قارداش (خوشگنابی)

آذَرین سوژو

«پونما»

حقوق وئرديک هر ملتین نوزونه

آچیق قويدوق قابیلاری اوزونه

دولانارديم او، گونلرین گوزونه

بیرده نونوب بو يرلره گلیدی

آرزولارین گول آچایدی گلیدی

\*\*\*

ایشلر دوندو ویران اولدو کونوللر

قیفیلاندی دوداقلار، شن دیلر

اونوتمارام او، بیر ایلی مین ایللر!

حیاتدا بش گون گوره سن کونولجه

چیخماز یادیندان دییرلر نولونجه

\*\*\*

تبریز منی بشیمنن اویاتدین

ایتگین سالیب حسرت قویوب، آغلاتدین

هر دمه بیر اوره ک وئریب توختادین

دئدیکلرین سوزلردن عبرت آلدیم

حاردا اولدوم سننده صحبت سالدیم

\*\*\*

عجب قويدون بیزی نامرد الینده

بوغولورام غم- غصه نین سلینده

مکتوب یازسان آذربایجان دیلینده

اود سالیرام شاهن - شاهین کورکونه ،

قانون منی جلب ائله بیر سورگونه

\*\*\*

خوش گونلرین سوز - صحبتین بیلیردیم

آیری دوشوب، دوست آشنانی ایتیردیم

زحمت چکیب، باغ - باغچالار یتیردیم

چو غون ووروب، توکدو دولو، یارپاغی،

کوچدی یاد الله وطن تورپاقی!

\*\*\*

یاندیردیلار کتابلاری تزه دن

شاهن - شاهدیر ایگیدلری محو ایدن

خندکلره باسیلدی مین - مین بدن

قانا دوندو آنالارین گوز یاشی

یاسا باتدی یوردوموزون داغ - داشی

\*\*\*

گنجه یاری اویاتدیلار یوخودان

خفیه نین ماموریدو حسین خان

یازیق آنام تیتره بیردی قورخودان

قوللاریمی باغلا دیلار آرخادان

آیردیلار او، سئویملی داخمدان

\*\*\*

سحر یاتیب قارانیغین ایچینده

دوشونوردوم کوچه لردن کچنده

آغیر اولور سورگونه کوچنده!

آیریلیقدا نولوم کیمی بیر شیدی

کیم بیلیردی یولوم هاردان دوشیدی.

\*\*\*

اسیرلری دولدوردولار ماشینا

شرقه ساری سوردولر نوز باشینا

- قوربان نولوم تورپاغینا داشینا!

سس قالدیریب بیز خورنان اوخودوق

سونگولردن نه چکیندیک نه قورخدوق!

\*\*\*

گون چیخاندا (قافلانتی) یا یتیشدیک،

محسون قارداش (خوشگنابی)

آذرين سوزو

«پونما»

داغدان آخان شلاله دن سو ايچديک

قيزيل اوزن) سينن اوستوندن کچديک

خبر آما، بو نه کاروان – نه کوچدور،

دردلرينی خبر ايله بولوشدور.

\*\*\*

دنگينن: - خزر، جوشوب، سس سال عالمه

کورپه اوشاق ياغی اولوبدور کيمه؟

حکم چيخار اندا بيزه محکمه،

ايران شاهي اوتانمادی، آغ ائتدی،

ائله بيلدی ايشلر بونونلا بيتدی.

\*\*\*

فاجعه لر شاهدی سن (قافلانتی)

گوزلردن آخان سو دوز، يا قاندى؟

بسدير سوسما، ظلم ارشه داياندى!

آسلانلارين ياتيدير، يا اوياق دير؟

ظالم لارين تپه سینه داش ياغدير.

\*\*\*

بيز ايسته ديك بش گون آزاد عمر ائدک

بو دونيانی آرخابينجا ترک ائدک

ياخاميزدان ال چکميرلر نه ائدک؟

يا هاميميز قوی قير يلاق بير دفه،

يا يتيشک آل باير اقلي حدفه.

\*\*\*

ای شووينيست، بيتر، اوتور يرينده!

حياتی گور ئوز آلنينين ترينده.

قسمت اولسا من گونلرين بيرينده

ئوز يوردومون کشيبنده دور ارام،

دينچ دورماسان قولاغيني بور ارام

\*\*\*

يوردوموزون آدلی – سانلی ائلی وار!

ئوز نغمه سی، ئوز ادبی دیلی وار

عرب اولسون، موغول اولسون يا تاتار

گليب گئتدی گورشاد کیمی، سل کیمی،

سن ده اسپب، گلمه لپسن يل کیمی.

\*\*\*

بير قويمادين نفسیمی چاغليام.

قانمادين کی، من بابکين اوغليام!

ظلم اتدين کی، من يالواريب، آغليام.

قوز غون کیمی پنجه لرین آل قاندى،

ئولوموزده شاهلارنان دشماندى!

\*\*\*

(خوررم دره) چينارلارين مئشه سی،

يوردوموزون منظره لی گوشه سی

قيز بلباشين، فدائينين دسته سی

گليب دوردو گوزلريمين ئونونده،

اميد دويدوم ينه دلی کونلومده.

\*\*\*

يوردوموزون سرحدلرين کئچيرديک،

ويدالاشيب، سولاريندان ايچيرديک.

باخيشلاردان اوره ک لری سئچيرديک

غملی – غملی سوزوردولر بيزلری،

هردمده بير ياشاريردی گوزلری.

\*\*\*

محسون قارداش (خوشگنابی)

آذَرین سوزو

«پونما»

گنڈیب دوشدوک (بدرآباد) ین دوزونده

قان قالمادی بیر نفرین اوزونده!

دهشت ایدی دوشرگه نین اوزونده!

سو استه دیک دوداق بوزوب، گولدولر،

بیر چوخ کورپه دوزنمیب اولدولر.

\*\*\*

ایلمیزده نه وار ایدی آلدیلار.

اسیرلری یامانگونه سالدیلار...

بوینوموزا دیری ایلان سالدیلار

قادینلارین باغیرتسی اوجالدی

ایل ارضینده جوانلاردا قوجالدی.

\*\*\*

کفلنده دوشرگه نین رئیسی

قولاقلاری باتیرپردی زیل سسی

گولگه ده قویدو (هیتلری) ائس ائسی

ایسته سیدی گونده اونون آساردی،

دیری- دیری خندکلره باساردی.

\*\*\*

گل قورتاراق (بدرآباد) ین صحبتین

قوی یاراسی قور ائتمه سین ملتین.

بیخماینجا رضا شاهین دولتین،

آزادلیقدان، خوش گونلردن دانیشما

اوجاق کیمی توستوله بیب آلیشما.

\*\*\*

نیه گوره سایمالیق گونلری؟

بیغ باشینا فارسلازان، کردلری.

الده بایراق، اوزون قاباقدا یری.

سسین ینه عالمه سالسین هارای

ایندی شاه – نه سلطنت – نه سارای!

\*\*\*

داغیلماسا جلدلارین یوواسی،

بوغار بیزی اونون کتیف هواسی.

تونبتون دوش رضا شاهین باباسی!

سنین نسلین بیر – بیریندن آچاقدی،

آزادخواهلا وطنیندن قاچاقدی.

\*\*\*

ایندی گلین گوج توپلاییب، بیرله شک،

وییتنام کیمی، کوبا کیمی ایش گوره ک

چیخ داغلارا، جیبلره دلدور فیشنگ

قزیل گوله یاخشی تیلر داوانی

بولودلاردان تمیزله یر هوانی

اوره ک لری غصه دن آزاد ائیلر

آردی وار گلن نمره ده

باش رداکتور: امیرعلی لاهرودی  
قزئت تحریریه هنیتی طرفیندن نشر اولونور  
قزئتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر

[E- mail info @ adf – mk Org](mailto:info@adf-mk.org)

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 76 ci nömrəFevral 2011

Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi

[www adf – mk. Org](http://www.adf-mk.org)